

بہ نام خدا |

سرشناسه: هوی، دیوید کازنز Hoy, David Couzens
عنوان و نام پدیدآور: حلقه انتقادی: ادبیات، تاریخ و هرمنوتیک فلسفی / دیوید کوزنزهوی؛ ترجمه مراد فرهادپور.
مشخصات نشر: تهران، هرمس، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۲۹۰ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۶-۳۲۹-۱
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: عنوان اصلی: The critical circle : literature, history, and philosophical hermeneutics, C1978.
یادداشت: چاپ قبلی: روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۷۸.
موضوع: گادامر، هانس - گئورگ، ۱۹۰۰ - ۲۰۰۲ م.
شناسه افزوده: فرهادپور، مراد، ۱۳۳۷ -، مترجم
رده‌بندی کنگره: BD۲۴۱
رده‌بندی دیوئی: ۱۲۱/۶۸
شماره کتابشناسی ملی: ۹۱۶۳۴۹۷
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

دیوید کوزنز هوی

حلقه

انتقادی

ادبیات، تاریخ و هرمنوتیک فلسفی



ترجمه مراد فرهادپور

این کتاب ترجمه‌ای است از:

*The critical circle:
literature, history, and philosophical
hermeneutics, C1978.*

حلقه انتقادی؛ ادبیات، تاریخ و هرمنوتیک فلسفی

دیوید کوزنزهوی
ترجمه مراد فرهادپور

طراح جلد: حبیب ایلون

چاپ دوم: ۱۴۰۳
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
چاپ: رسام

همه حقوق محفوظ است.

تهران، خیابان ولی عصر، بالاتر از میدان ونک، شماره ۲۴۹۳
تلفن: ۸۸۷۹۵۶۷۴



فهرست

۱۰.....	مقدمه مترجم بر چاپ تازه کتاب.
۳.....	یادداشت مترجم.....
۷.....	رسالت هرمنوتیک.....
۸.....	از هرمنوتیک خاص به هرمنوتیک عام.....
۸.....	نخستین «جایگاه» تفسیر.....
۹.....	شلایر مایر.....
۱۳.....	دیلتای.....
۲۰.....	گذر از معرفت‌شناسی به هستی‌شناسی.....
۲۰.....	هایدگر.....
۲۹.....	گادامر.....
۳۵.....	پی‌نوشت‌ها و مآخذ.....
۳۹.....	پیشگفتار.....
۴۳.....	مقدمه.....
۵۷.....	فصل اول: درستی تفسیر و قصد مؤلف: نقدی بر هرمنوتیک.....
۵۹.....	۱- معنا و دلالت.....
۷۵.....	۲- قصد یا نیت مؤلف.....
۸۹.....	۳- معنا و آگاهی.....
۹۹.....	فصل دوم: ماهیت فهم: هرمنوتیک فلسفی.....
۱۰۱.....	۱- دو برداشت مخالف از هرمنوتیک.....
۱۰۸.....	۲- حدود عینیت.....

۱۱۲	۳- فهم، تفسیر و کاربرد.....
۱۱۶	۴- فهم و حکمت عملی (فرونسیس).....
۱۲۵	۵- فهم و زبان.....
۱۳۵	۶- فراسوی نسبی گرایی؟.....
۱۴۱	فصل سوم: متن و زمینه
۱۴۶	۱- پیگانه سازی نوشتار: شطرنج بی انتهای دریدا.....
۱۵۷	۲- درون ماندگاری و مصداق: قوس هرمنوتیکی ریکور.....
۱۶۳	۳- برداشت.....
۱۷۱	۴- تاریخمندی تفسیر.....
۱۷۹	فصل چهارم: حقیقت و نقد
۱۸۲	۱- تاریخمندی هنر.....
۱۸۸	۲- حقیقت هرمنوتیکی و حقیقت استعلایی: کارل اتو آبل.....
۲۰۱	۳- مناظره گادامر هابرماس.....
۲۱۷	۴- خلاصه مطالب: هرمنوتیک به منزله نقد.....
۲۲۱	فصل پنجم: هرمس و کلایو
۲۲۱	۱- تاریخ ادبی: پارادوکس با پارادایم؟.....
۲۲۴	۲- فراسوی تاریخی گری؟.....
۲۳۴	۳- «تاریخ یا ادبیات؟» گادامر در مقابل بارت.....
۲۴۱	۴- ماهیت مشترک متون تاریخی و ادبی.....
۲۴۶	۵- هرموتیک و نقد عملی: یاس، استایگر، ریفاتر، فیش.....
۲۵۹	۶- معمای تجدد: هارولد بلوم.....
۲۶۹	۷- تاریخ ادبی و حلقه تفسیری: یک شرح موجز.....
۲۷۳	یادداشت ها
۲۷۳	مقدمه.....
۲۷۵	فصل اول: درستی تفسیر و قصد مؤلف.....
۲۷۷	فصل دوم: ماهیت فهم.....
۲۷۹	فصل سوم: متن و زمینه.....
۲۸۱	فصل چهارم: حقیقت و نقد.....
۲۸۴	فصل پنجم: هرمس و کلایو.....

مقدمه مترجم بر چاپ تازه کتاب

این کتاب در آغاز به عنوان جزیی از طرحی بزرگتر ترجمه شد که قرار بود به کل سنت تفکر هرمنوتیکی از شلایرماخر تا گادامر بپردازد. اما با بسته شدن بنگاه نشری که قرار بود مجری این طرح باشد، تحقق آن نیز نیمه کاره رها شد. پس از چند سال متن ترجمه از سر ناچاری به صورتی غیر حرفه‌ای و بدون هیچ قراردادی به ناشری دیگر واگذار شد. در نهایت خود کتاب به عنوان نوعی «لطف» به مترجم در کنار ترجمه مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه نویسندگان آمریکای لاتین به همین قلم - که در آن زمان کتابی محبوب و پرفروش بود - منتشر شد. چند سال بعد نیز همپای رواج اصطلاح «هرمنوتیک» در محافل فلسفی و کلامی، کتاب به چاپ دوم هم رسید. اکنون که پس از سال‌ها نایاب بودن، امکان چاپ و پخش درست و درخور آن فراهم شده است، لازم می‌دانم تشکر خود را از همه دست‌اندرکاران نشر هرمس ابراز کنم.

م. ف. بهار ۱۴۰۲

یادداشت مترجم

مضمون اصلی این کتاب بررسی ماهیت و وضعیت بحث و جدل‌های معاصر در باب فلسفه هرمنوتیکی است، هم از لحاظ مسئله تفسیر متون ادبی و هم از نظر مباحث کلی معرفت‌شناسی معاصر که سنت فلسفه تحلیلی آنگلو-آمریکایی را با آرای فیلسوفان اروپایی پیوند می‌دهد. دیوید هوی نشان می‌دهد که می‌توان میان تفکر انتقادی فرانسوی، آلمانی و آنگلو-آمریکایی، بدون محو تمایزات ذاتی آنها، رابطه‌ای با معنا برقرار کرد. محور اصلی کار او شرح مواضع هانس گئورگ گادامر فیلسوف معاصر آلمانی و دفاع انتقادی از آنها در برابر مخالفان و منتقدان گادامر است. بدین منظور او آرای فلسفی کسانی چون هیرش، بتی، ریکور، هابرماس، آپل، دریدا و بارت را مورد نقد و بررسی قرار داده، و درباره مناظرات فلسفی مهمی که میان گادامر و برخی از آنها رخ داده است نظیر مناظره مشهور گادامر و هابرماس-مفصلاً به بحث می‌پردازد. به علاوه او بسیاری از مفاهیم و مباحث جدید در نظریه نقد ادبی را که از سوی کسانی چون یاکوبسون، ریفتر، دومن، استانلی فیش و هارولد بلوم عنوان شده است، در متن فلسفه هرمنوتیکی گادامر مورد بحث قرار می‌دهد. شاید مهم‌ترین نقطه ضعف کتاب به‌ویژه برای خوانندگان ایرانی-عدم توجه به تحول تاریخی هرمنوتیک و چگونگی شکل‌گیری آن از درون سنت تفسیر کتاب مقدس و ادبیات کلاسیک عصر باستان است که در دوره رنسانس و اصلاح دینی اهمیتی بسیار داشت. ولی شاید نکته اساسی، شکل‌گیری هرمنوتیک به‌منزله یک سنت یا نگرش فلسفی مستقل و جدید است که نویسنده بدان اشاره‌ای

نمی‌کند. این تحول که در قرون ۱۸ و ۱۹ به دست شلایر ماخر و ديلتای صورت گرفت، زمینه اصلی هرمنوتیک فلسفی معاصر است و از این رو معرفی آن برای درک بسیاری از مفاهیم فلسفه گادامر ضروری است؛ و در واقع خود گادامر نیز از طریق بررسی همین روند تاریخی و پیگیری آن در آثار کانت و هگل است که مفاهیم خاص نگرش هرمنوتیکی خویش را شکل می‌بخشد. برای این منظور بهتر دیدم از مقاله پل ریکور، به نام «رسالت هرمنوتیک»، به عنوان مقدمه استفاده کنم. ریکور که خود یکی از مهم‌ترین صاحب‌نظران فلسفه هرمنوتیکی معاصر است، در این مقاله تحول هرمنوتیک در آثار شلایر ماخر، ديلتای، هایدگر و گادامر را به‌صورتی جامع و فشرده توضیح می‌دهد. این مقاله که توسط آقای یوسف اباذری و من ترجمه شده است، قبلاً در مجله فرهنگ (کتاب چهارم و پنجم، بهار و پاییز ۱۳۶۸) چاپ شده است.

به علت کثرت نقل قول‌ها، مؤلف برای مشخص کردن مراجع از دو روش استفاده کرده است. یادداشت‌ها، توضیحات اضافی و همه کتاب‌ها و مقالات مرجع و مشخصات کامل آنها توسط شماره‌های مسلسل ویژه هر فصل، به‌صورت^(۱) و^(۲)... مشخص شده‌اند. این شماره‌ها داخل پرانتز گذاشته شده‌اند تا از پانویس‌های مترجم متمایز گردند. در مورد متونی که به دفعات بدان‌ها رجوع شده است مؤلف، پس از بار اول، از حروف اختصاری استفاده کرده است. برای مثال علامت (ح.ر. ۵۶) در داخل متن یا پس از یک نقل قول، چنین معنی می‌دهد: رجوع کنید به کتاب حقیقت و روش صفحه ۵۶. برای تسهیل کار و پرهیز از سردرگمی، فهرستی از اسامی نویسندگان و عناوین اصلی و اختصاری کتاب‌ها تهیه شده است که در ذیل می‌آید. تمامی پانویس‌های داخل متن که با شماره‌های مسلسل برای هر صفحه و به‌صورت ۱، ۲... مشخص شده‌اند، به مترجم تعلق دارند.

نام نویسنده	عنوان کتاب یا مقاله	حروف اختصاری
کارل اُتو آپل	هرمنوتیک و دیالکتیک	ه.د
رولان بارت	نقد و حقیقت	ن.ح
رولان بارت	دربارهٔ راسین	د.ر
هارولد بلوم	اضطراب تأثیر	ا.ت
امیلیو بتی	هرمنوتیک به‌منزلهٔ روش عام علوم اجتماعی	ه.ر.ع
ولفهرت پاننبرگ	هرمنوتیک و تاریخ جهانی	ه.ت
ژاک دریدا	کلام و پدیده‌ها	ک.پ
ژاک دریدا	از گراماتولوژی	ا.گ
ژاک دریدا	نوشتار و تفاوت	ن.ت
میشل ریفاتر	«توصیف ساخت شعری»	«ا.ت.س.ش»
پل ریکور	«متن چیست؟»	«م.ج»
استانلی فیش	«ادبیات در خواننده»	«ا.خ»
هانس - گئورگ گادامر	حقیقت و روش	ح.ر
هانس - گئورگ گادامر	رسالات کوتاه	ر.ک
هانس - گئورگ گادامر	«پاسخ»	«پ»
فریدریش نیچه	تأملات بی‌موقع	ت.ب
لودویگ ویتگنشتاین	تحقیقات فلسفی	ت.ف
و. ویمسات، م. بردزلی	شمایل لفظی	ش.ل
یورگن هابرماس	معرفت و علایق بشری	ع.م
یورگن هابرماس	منطق علوم اجتماعی	م.ع.ا
مارتین هایدگر	وجود و زمان	و.ز
ا.د. هیرش	درستی و اعتبار در تفسیر	د.ت

رسالت هرمنوتیک^۱

نوشته پل ریکور

من این تعریف را، عجلتاً تعریف کارآمدی از هرمنوتیک تلقی می‌کنم: هرمنوتیک نظریه عمل فهم است در جریان روابطش با تفسیر متون. اصل هادی من فعلیت «گفتار» به عنوان «متن» است و تمامی سخنرانی دوم وقف پختن و پروردن مقولات متن خواهد شد. بنابراین راه آماده خواهد شد تا بکوشیم «مسئله» اصلی را که در سخنرانی اول ارائه شده است حل کنیم، یعنی گسستی که میان تبیین و فهم به وجود آمده است و به نظر من مخرب است. هرمنوتیکی که مبتنی بر معناشناسی است تمایل به از هم گسیختن این دو دیدگاه دارد، اما جست‌وجو برای سازگاری و مکمل هم پنداشتن این دو، از نقطه نظر معرفت‌شناختی مبین جهت‌یابی هرمنوتیک به راهنمایی مفهوم متن است.

بررسی تاریخی هرمنوتیک که من اینجا بدان دست یازیده‌ام به تدوین مسئله‌ای نزدیک می‌شود که در واقع همان مسئله‌ای است که تحقیقات مرا موجب شده است. بنابراین مقاله‌ای که در پی خواهد آمد بدین معنایی طرف نیست که بر آن شده‌ایم آن را از هر پیش‌فرضی تهی سازیم، حتی خود هرمنوتیک نیز در مورد این

1. Paul Ricoeur. "The Task of Hermeneutics." In *Heidegger and Modern Philosophy*, Ed. Michael Murraay, Yale, 1178. PP. 141 – 160.

این مقاله متن سخنرانی اول از دو سخنرانی پل ریکور است که در ماه مه ۱۹۷۳ در سمینار الهیات دانشگاه پرینستون ایراد گردید.

ادعای بی‌طرفی که توهمی بیش نیست به ما هشدار می‌دهد. من می‌پندارم که در تاریخ اخیر هرمنوتیک دو دغدغه‌خاطر وجود دارد. یکی این است که هدف هرمنوتیک به گونه‌ای فزاینده چنان گسترش یابد که تمامی هرمنوتیک‌های موضعی و خاص مشمول هرمنوتیک عام گردند. اما این حرکت از هرمنوتیک خاص به عام نمی‌تواند به سرانجام رسد مگر اینکه در عین حال دل‌مشغولی‌های دقیقاً معرفت‌شناختی هرمنوتیک منظورم تلاش هرمنوتیک برای علمی ساختن خود است. منقاد دل‌مشغولی‌های هستی‌شناختی آن شود، یعنی زمانی که «فهم» از اینکه وجه ساده‌ای از معرفت باشد باز ایستد تا به شیوه‌ای از «وجود» مبدل شود و خود را به موجودات و به وجود ربط دهد. بدین‌سان حرکت به‌سوی عامیت با حرکت به طرف رادیکال شدن همراه می‌گردد و هرمنوتیک نه فقط به هرمنوتیک عام بلکه به هرمنوتیک بنیادین بدل می‌شود.

از هرمنوتیک خاص به هرمنوتیک عام

نخستین «جایگاه» تفسیر

نخستین «عرصه‌ای» که هرمنوتیک وظیفه‌ارائه‌اش را به عهده می‌گیرد، یقیناً زبان و خاصه زبان مکتوب است. از آنجا که تلاش من در سخنرانی دوم می‌تواند چنان جلوه کند که هرمنوتیک را با تکیه به مفهوم متن مجدداً خاص کرده‌ام، شناختن جغرافیای این نخستین مکان بسیار مهم است، پس جای این پرسش باقی می‌ماند که مشخص کنیم چرا هرمنوتیک با پرسش‌هایی درباره‌ی زبان رابطه‌ای ویژه دارد. به نظر من چنین می‌رسد که ما می‌توانیم با مشخصه‌ی بارز زبان‌های طبیعی کار را آغاز کنیم، این کار مستلزم تفسیر در ابتدایی‌ترین و سطحی‌ترین حد است، یعنی تفسیر مکالمه. این مشخصه را می‌توان چندمعنایی نامید. به عبارت دیگر هنگامی که کلمات خارج از استفاده‌ی آنها در زمینه‌ای معین در نظر گرفته شوند معانی متعددی دارند. من در اینجا به دلایلی که رعایت ایجاز و توسل به گدواژگانی^(۱) را -که نمایانگر مشخصه‌ای منحصر به فرد است- موجه جلوه می‌دهد نخواهم پرداخت، آنچه برای بحث حاضر اهمیت دارد این است که چندمعنا بودن کلمات نیازمند

جفت خود است یعنی نقش گزینشی زمینه‌ها در تحدید ارزش رایج کلمات در پیامی مفروض، پیامی که گوینده‌ای خاص آن را به شنونده‌ای در موقعیتی ویژه خطاب می‌کند. حساسیت به زمینه، مکمل ضروری و جفت ناگزیر چندمعنا بودن است. اما استفاده از زمینه‌ها به نوبه خود پای فعل روشن ساختن را پیش می‌کشد که در مبادله مشخص پیام‌ها میان مخاطبین رخ می‌دهد و الگوش بازی زبانی پرسش و پاسخ است. این فعل روشن ساختن به درستی تفسیر نامیده شده است و منظور از آن مشخص ساختن این امر است که گوینده، کدام پیام نسبتاً تک‌معنا را براساس بنیان چندمعنای واژگان مشترک مستفاد کرده است. به دست دادن گفتار نسبتاً تک‌معنا با کلمات چندمعنا و مشخص کردن این اراده به تک‌معنایی در پذیرش پیام‌ها، اولین و ابتدایی‌ترین کار تفسیر است. در محدوده همین حلقه بسیار وسیع پیام‌های مبادله شده است که نوشتن قلمرویی محدود را اشغال می‌کند که ديلتای -که بعداً با تفصیل بیش‌تری از آثار او صحبت خواهیم کرد- آن را «تجلیات زندگی که با نوشتن ساکن و جامد شده است» می‌نامد. روشن شدن این امر به دلایلی که بعداً در صحبت دوم آن را پیش خواهیم کشید نیازمند ارائه تفسیری خاص است. این دلایل به دقت جزئی از فعلیت یافتن گفتار به منزله متن است. اجازه دهید به تذکاری بسنده کنیم: در نوشتن شرایط تفسیر مستقیم از طریق بازی پرسش و پاسخ و بنابراین از طریق مکالمه، دیگر وجود ندارد. فنون ویژه‌ای مورد نیاز است تا مجموعه نشانه‌های نوشتاری به سطح گفتار ارتقا یابد و همچنین پیام، از خلال رموز و قواعد افزوده شده که مناسب تحقیق گفتار به منزله متن است، روشن و قابل درک شود.

شلایر ماخر

حرکت واقعی از هرمنوتیک موضعی و خاص به عام با تلاش برای متمایز ساختن مسئله عام عمل تفسیر آغاز می‌شود، عملی که در موارد خاص و علی‌رغم تفاوت متون صورت می‌گیرد. وقوف به این معضله^(۲) اصلی و وحدت‌بخش، ثمره تلاش‌های شلایر ماخر بود. قبل از او آنچه وجود داشت عبارت بود از فقه اللغة